

بررسی علل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر پرخاشگری در میان خانواده‌های تبریز

بهنام بشیری خطیبی، دانش‌آموخته جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز*

سیروس فخرائی، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور واحد مراغه

چکیده

هدف از انجام این تحقیق، بررسی و شناخت تأثیر عوامل جمعیت‌شناختی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در تبیین پرخاشگری در خانواده می‌باشد. به عبارت دیگر در این پژوهش سعی شده است به این پرسش اساسی پاسخ داده که چرا در برخی از خانواده‌ها رفتارهای پرخاشگرانه دیده می‌شود. بر این اساس فرضیه‌هایی که از سه دیدگاه نظری از حوزه روان‌شناسی اجتماعی؛ یعنی رویکرد روانکاوی، رویکرد رفتارگرایی و رویکرد شناختی و همچنین، از مطالعات و تحقیقات پیشین، جهت تبیین پرخاشگری در خانواده استنتاج گردیده است. داده‌های مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌های تحقیق از طریق پرسشنامه و با نمونه‌گیری سهمیه‌ای متناسب با حجم (PPS) از یک نمونه ۳۸۴ نفری از سطح شهر تبریز گردآوری شد. برای دسته‌بندی مؤلفه‌های مربوط به پرخاشگری خانوادگی از تحلیل عاملی اکتشافی، برای محاسبه پایایی گویه‌ها از آلفای کرونباخ و نیز برای آزمون فرضیه‌ها از تکنیک‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تفاوت میانگین (T-test) و آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه استفاده گردید و در نهایت برای تبیین عوامل اجتماعی مؤثر بر پرخاشگری خانواده از تحلیل رگرسیون چندگانه استفاده شد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که پرخاشگری خانوادگی با متغیرهای نوع خانواده، نوع ازدواج، پایگاه اقتصادی - اجتماعی، وضعیت شغلی، سطح تحصیلات، سن و باورهای مذهبی رابطه معنی‌داری داشته است.

واژه‌های کلیدی: پرخاشگری در خانواده، عوامل اجتماعی، نوع خانواده.

مقدمه و بیان مسأله

با وجود دگرگونی در ساختار خانواده و نقش‌های خانوادگی، بی‌تردید خانواده همچنان یکی از ارکان و نهادهای اصلی جامعه به شمار می‌رود. اهمیت خانواده از این رو است که نه تنها محیط مناسبی برای همسران به شمار می‌آید، بلکه وظیفه جامعه‌پذیری و تربیت نسل‌های آتی را نیز بر عهده دارد. اهمیت والای خانواده زمانی بهتر درک می‌گردد که به کارکردهای اساسی و بنیادین آن توجه کنیم. یکی از این کارکردهای اصلی، تکوین و شکل‌دهی شخصیت‌های انسان‌هاست. ایفای بهینه این کارکردها، نه تنها برای بقای خانواده، بلکه برای تداوم جامعه و انسجام اجتماعی نیز ضروری است، ولی با این وصف، هم‌اکنون خانواده دچار آسیب‌هایی نظیر: طلاق، اختلافات زناشویی، خودکشی، کودکان فراری و پرخاشگری در خانواده شده است.

پر خاشگری پدیده‌ای است که روابط سالم خانوادگی را که برای تحکیم خانواده لازم و ضروری است، متزلزل ساخته، بعضاً از بین می‌برد. ممکن است برخی افراد تعجب کنند، اما این واقعیت دارد که بیشتر پر خاشگری‌ها در خانواده‌ها روی می‌دهد. برای مثال، آمریکاییان چنان در معرض پر خاشگری‌های اعضای خانواده خود قرار دارند که خانواده را پس از پلیس و ارتش، خشن‌ترین نهاد اجتماعی نامیده‌اند. برخی مدعی‌اند پر خاشگری در خانواده مهمترین مسأله اجتماعی است که امروزه آمریکاییان با آن دست به‌گریبانند.

یکی از پدیده‌هایی که مطالعه آن به سه حوزه جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و فرهنگ بسیار مربوط است، پر خاشگری و رفتارهای پر خاشگرانه است. رفتارهای خشونت‌آمیز را می‌توان در گستره وسیعی از حوزه‌های جامعه‌شناسی و روان‌شناسی مورد تحقیق و مطالعه قرار داد.

در یک مطالعه پیمایشی که روی نمونه‌ای ۹۶۱ نفری

از زنان ۱۹ تا ۹۰ ساله صورت گرفت، مشخص شد که ۲۵٪ آنها در زمان مصاحبه دچار آشفتگی روان‌شناختی بودند، ۲۲٪ آنها نشانه‌های شدید بیماری جسمی داشتند و ۱۷٪ آنها گزارش کرده‌اند که در طول زندگی‌شان در معرض پر خاشگری خانوادگی بوده‌اند. در میان زنانی که پر خاشگری در خانواده را تجربه کرده بودند، فهم این موضوع که زندگی‌شان در معرض خطر بوده و نیز تأثیر پر خاشگری بر زندگی آنها، هر کدام به صورت معنی‌داری در تغییر پذیری مشکلات روان‌شناختی آنان نقش داشته‌اند. ۱۲٪ همه موارد مشکلات روان‌شناختی و ۷٪ همه موارد بیماری شدید جسمانی به پر خاشگری در خانواده نسبت داده شده است. پر خاشگری در خانواده به صورت فزاینده‌ای یک مشکل جهانی برای بهداشت روانی محسوب می‌شود و بهداشت روانی و جسمانی افراد، به ویژه زنان و کودکان را به صورت جدی تحت تأثیر قرار می‌دهد. داده‌های موجود بیانگر آن است که ۲۰ تا ۵۰ درصد از زنان در بیشتر کشورها در دوره‌ای از زندگی خود در معرض پر خاشگری در خانواده قرار گرفته‌اند (Heise, Raikes, Watts, Zwi, 1994).

پر خاشگری در خانواده، عامل خطر سازی مهم برای دامنه وسیعی از مشکلات بهداشتی در نظر گرفته شده است؛ از جمله پایین بودن وزن نوزادانی که هنگام تولد مادران شان در معرض خشونت همسران شان بودند (Bullock & Mc. Farlane, 1993).

بنابراین، مطالعات اپیدمیولوژیک در این زمینه در مورد این که چه کسانی، چگونه و با چه انگیزه و وسیله‌ای مورد پر خاش قرار می‌گیرند و عوامل مؤثر بر آن چه چیزهایی هستند، یکی از ضرورت‌های اجتناب ناپذیر برای پیشگیری و درمان این معضل اجتماعی به شمار می‌آید، چرا که باید دقت کرد برای داشتن جامعه‌ای سالم و افرادی متعادل در جامعه، نمی‌توان روابط پر خاشگرانه در خانواده را نادیده گرفت. زیرا نتایج ناشی

بهداشت، ۱۳۸۰: ۱۳۸).

رویکرد رفتار گرایی - نظریه یادگیری اجتماعی

اندیشه و ایده اصلی این رویکرد آن است که رفتار شخص محصول یادگیری‌های پیشین اوست. رفتار کنونی، شکل گرفته به وسیله تقویت‌های گذشته است. در هر موقعیتی شخص رفتارهای معینی را می‌آموزد که بر اثر تکرار ممکن است به صورت عادت در آیند. وقتی شخص دوباره در آن موقعیت قرار گیرد، سعی خواهد کرد همان رفتار عادت شده خود را تکرار کند، نظریه‌های یادگیری در دهه ۱۹۳۰ بر مبنای کارها و تحقیقات کسانی چون ایوان پاولوف، فیزیولوژیست و روان‌شناس روسی در مورد شرطی شدن پاسخگو و بی اف اسکینر، روان‌شناس آمریکایی در مورد شرطی شدن کنشگر محبوبیت و شهر زیادی پیدا کردند. کاربرد این نظریه در مورد رفتارهای اجتماعی به وسیله آلبرت بندورا، روان‌شناس کانادایی - آمریکایی به ایجاد نظریه‌ای دیگری با نام نظریه یادگیری اجتماعی انجامید (کریمی، ۱۳۸۱: ۳۷). طبق نظر بندورا، پرخاشگری کاملاً جنبه تقلیدی دارد و از راه مشاهده کسب می‌شود و نمی‌تواند پایه ذاتی داشته باشد (کریمی، ۱۳۷۳: ۲۱۹).

پرخاشگری بین والدین مدل والگویی برای یادگیری رفتار خشنوت‌گرایانه است. بچه‌هایی که پرخاشگری والدین را تجربه و مشاهده می‌کنند، پرخاشگری را به عنوان ابزاری مناسب برای بیان خشم و کنترل رفتار دیگران می‌پذیرند. بنابراین، از این دیدگاه در خانواده‌هایی که اعضای آن در کودکی شاهد پرخاشگری والدین بوده‌اند، احتمال بروز پرخاشگری یا تن دادن به آن به مراتب بیشتر از خانواده‌های دیگر است.

بدین ترتیب، مفروضات نظریه یادگیری اجتماعی در مورد پرخاشگری را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱ - پرخاشگری قابل انتقال از نسلی به نسل دیگر

از رفتار پرخاشگرانه خانواد بر قربانی، سبب می‌شود که او در روابط اجتماعی خود با دیگران رفتاری نابهنجار داشته باشد و حتی برای افرادی که از مقوله خشنوت دورند و از آن ذهنیتی ندارند، مشکلاتی به وجود آورد. با توجه به موارد ذکر شده، می‌توان به اهمیت بررسی موضوع پرخاشگری خانوادگی پی برد، چرا که تنها با شناخت جامع و کامل این پدیده و همچنین، با شناسایی و شناخت عوامل دخیل در آن می‌توان آن را تحت کنترل در آورد و از آثار مخرب آن جلوگیری نمود و یا حداقل آن را کاهش داد. پس شناسایی مکانیزم‌های پرخاش و عوامل مستعد کننده آن، زمینه لازم را برای برنامه‌ریزی و داشتن جامعه و خانواده‌ای سالم فراهم می‌آورد. بی شک با شناخت تشخیص و تبیین دقیق عوامل مؤثر بر بروز پرخاشگری خانوادگی جلوگیری از وقوع آن امکان پذیر خواهد بود.

پیشینه و مبانی نظری

از نظر مفهومی، واژه پرخاشگری ناظر به نوع شدت عمل در مقابل دیگران به مفهوم کلی اعم از فردی، جمعی، کلامی، رفتاری ایجابی و سلبی است (طاهری، ۱۳۸۱: ۱۲). پرخاش معنای متقن و مشخصی ندارد؛ برای نمونه برخی از تعاریف آن تنها بر جنبه فیزیکی تأکید کرده، هر فعل یا رفتار تهدیدآمیزی را که به قصد ایراد صدمه صورت گیرد و عملاً به ایراد صدمه و آسیب منجرشود یا احتمال ایراد صدمه و آسیب را در پی داشته باشد، در زمره رفتارهای پرخاشگرانه محسوب می‌کنند. سازمان جهانی بهداشت در تعریف خود از پرخاش بیان می‌دارد: «پرخاش استفاده عمدی از نیرو یا قدرت فیزیکی، ارعاب یا تهدید بر خود یا دیگری است که علیه یک گروه یا جامعه صورت گرفته و به آسیب جسمی مرگز یا آسیب روانی سوء رشد و تکامل یا محرومیت منجر شود یا احتمال وقوع این نتایج متصور شود» (سازمان جهانی

است.

۲ - پرخاشگری می‌تواند از طریق مدل بندی (تقلید) یاد گرفته شود.

۳- مطالعات زیادی در خصوص پرخاشگری در خانواده به ارتباط (مستقیم و غیر مستقیم) در دوران کودکی و پرخاش در دوران بزرگسالی پی برده‌اند.

بویرگمن در توضیح علت احتمال پرخاش در تمامی خانواده‌ها بر نقش عوامل فردی تأکید می‌کند. او نشان می‌دهد. در خانواده‌هایی که اعضای آن خود در دوران کودکی در معرض پرخاش قرار گرفته‌اند، احتمال بروز پرخاش یا تن دادن به آن، به مراتب بیشتر است (درویش‌پور، ۱۳۷۸: ۵۱).

نظریه پرخاشگری و خشونت

صاحب‌نظران حوزه علوم اجتماعی در مورد پرخاشگری به دو دسته تقسیم شده‌اند: گروهی که معتقدند پرخاشگری ذاتی و فطری است و گروهی که آن را حاصل عوامل اجتماعی و در نتیجه آموختنی می‌دانند.

تحقیقات لئونارد برکوویتز در مورد پرخاشگری نشان داده است که حتی مشاهده آلات و ابزار پرخاشگری می‌تواند در شخص مشاهده کننده حالت پرخاشگری را برانگیزد و نیز در مورد فرضیه ناکامی- پرخاشگری، محققان پس از گزارش نتایج گروه بیل کوشیدند این آزمایش را دنبال کنند، اما بیشتر آزمایش‌ها نشان داد که پرخاشگری نتیجه حتمی و اصلی ناکامی نیست. در این مورد به تحقیقات بارکر دمبو لوین و سی یرز می‌توان اشاره کرد. همچنین، در نقاطی از جهان و در بعضی فرهنگ‌ها اصولاً چیزی به نام پرخاشگری وجود ندارد؛ مثلاً به گفته اتوکالین برگ در یکی از قبایل وقتی دو نفر با هم اختلاف یا نزاعی دارند، به جای جنگ و دعوا مراسمی انجام می‌دهند که به آن پتلاچ گفته می‌شود؛ بدین صورت که هر یک از آنها به خانه خود می‌روند و

اموال خود را آورده، در بین افراد قبیله تقسیم می‌کنند. همچنین، در قبیله دیگری موارد اختلاف را به شعرگویی در حضور جمع و هجو کردن یکدیگر مطرح می‌کنند و قبیله داوری می‌کند که در این مشاعره چه کسی برنده شده است و برنده مشاعره طبعاً برنده دعوا شناخته می‌شود. به عبارت دیگر، پرخاشگری در این موارد لااقل با ملاک همگانی بودن مطابقت نمی‌کند.

رویکر روانکاوانه: نظریه ناکامی - پرخاشگری

دیدگاه انگیزشی

پرخاشگری می‌تواند معلول هر موقعیت ناخوشایند یا ملال انگیزی، مثل خشم، درد و باشد، اما مهمترین عامل در ایجاد پرخاشگری از میان همه عوامل، ناکامی است. اگر فردی در نیل به هدف خود با شکست مواجه شود، ناکامی حاصل، احتمال پاسخ پرخاشگرانه او را افزایش می‌دهد. معنای این مطالب این نیست که ناکامی همواره به پرخاشگری منجر می‌شود، یا این که ناکامی تنها علت پرخاشگری است (آرنسون، ۱۳۸۵: ۲۸۹).

بر طبق اعتقادات نظریه‌پردازان انگیزشی، ناکامی یک علت اساسی پرخاشگری است که حالتی از انگیختگی یا سائق را در شخص به وجود می‌آورد که در حضور قرینه‌های مناسب ظاهر می‌شود. در نتیجه، برای کنترل باید به راه‌هایی بنیدیشیم که می‌توانند ناکامی را کم کنند (کریمی، ۱۳۷۳: ۲۲۶)

نظریه منابع

نظریه منابع یکی از اولین نظریه‌هایی بود که ویلیان گود در مورد پرخاشگری خانوادگی مطرح کرد، بر پایه این نظریه، نظام خانواده، مانند هر نظام یا واحد اجتماعی دیگری دارای نظام اقتداری است و هر کس که به منابع مهم خانواده بیشتر از دیگران دسترسی دارد، می‌تواند سایر اعضا را به فعالیت در جهت امیال خود وا دارد

(Borgata, 1992: p.461).

راه برداشت. رفع تضادهای خانوادگی با استفاده از وسایل قدرت در مواردی، از راه خشونت امکان‌پذیر می‌گردد. در این حالت، خشونت سبب طبیعی شدن جریان زندگی روزمره می‌شود و خانواده به کارکردهای اساسی خود می‌پردازد که در آن مسؤولیت زنان، انجام دادن وظایف خانوادگی و مسؤولیت اصلی مردان، برقراری ارتباط با جهان خارج و نان‌آوری است.

پارسونز بر تفکیک نقش‌های جنسیتی تأکید می‌کند و پدر را رئیس و مادر را مدیر داخلی خانواده می‌داند. در این مفهوم خشونت برای بقای خانواده کاربرد پیدا می‌کند (طباخی، ۱۳۸۵: ۵۲)

سؤال تحقیق

عوامل و میزان بروز پرخاشگری در خانواده در پاسخگویان مورد مطالعه چقدر است؟

فرضیه تحقیق

عامل بروز پرخاش در خانواده نسبت به پایگاه اقتصادی - اجتماعی، فقر، فاصله سنی زوجین، سن ازدواج زن و مرد، طول مدت ازدواج زوجین، ترکیب خانواده، پابندی زوجین به اعتقادات دینی، آزادی زوجین در انتخاب همسر و تجربه خشونت در دوران کودکی، از سوی والدین پاسخگویان بستگی دارد.

روش تحقیق

در این پژوهش که از نوع تحقیقات همبستگی با روش کمی است، برای تعیین میزان پرخاشگری خانوادگی و گردآوری اطلاعات لازم برای آزمون فرضیه‌ها از روش پیمایش استفاده گردیده و از نظر زمانی به روش مقطعی و از نظر دامنه تحقیق به صورت پنهانگر و از نظر وسعت خرد و از نظر هدف کاربردی است.

به نظر گود، افراد بسیار قدرتمند خانواده کمتر از دیگران به اعمال قدرت از طریق خشونت بدنی دست می‌زنند، زیرا منابع متعدد دیگری دارند که از طریق آنها قادر به اعمال قدرت هستند، اما در میان افرادی دارای ضعف اجتماعی - اقتصادی هستند، تنها منابع قدرت، زور بدنی و استفاده از آن است. در این نظریه، اصل بر ثابت نگه داشتن ساختار خانواده است و برای این ثبات، از منابع گوناگونی استفاده می‌شود که خشونت یکی از آنهاست.

وی هم چنین استدلال نمود که منابعی مانند: موقعیت، منزلت اجتماعی، پایگاه فرد در بیرون از خانواده، شغل، اقتدار سیاسی و ... قدرت اعضای خانواده را تحت تأثیر قرار می‌دهد، زیرا طبقات اجتماعی مختلف و گروه‌های قومی، در دستیابی به منابع جایگزین تفاوت دارند. بنابراین، اعضای طبقات پایین ممکن است بیشتر از طبقات دیگر تمایل به استفاده از پرخاشگری خانوادگی به عنوان ابزاری برای کسب قدرت در خانواده داشته باشند (طباخی، ۱۳۸۵).

نظریه کارکردگرایی

کارکردگرایان در مورد پرخاشگری خانوادگی در واقع توجیه کننده خشونت هستند. آنها خانواده را گروهی در نظر می‌گیرند که در آن افراد با جنسیت‌ها و گروه‌های سنی متفاوت، مدتی طولانی در ارتباط نزدیک با هم قرار می‌گیرند. بر خلاف سایر گروه‌ها، در این گروه سلسله مراتب بر اساس تخصص، صلاحیت و لیاقت صورت نمی‌گیرد، بلکه بر اساس جنسیت سن و قدرت اقتصادی و وجود علائق متفاوت این گروه ناهمگون، سبب به وجود آمدن تضادهای آشکار و یا پنهان می‌شود.

این تضادها، ویژگی‌ها و کارکردهای مناسب خانوادگی را از بین می‌برد و در نتیجه باید آنها را از سر

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این تحقیق افراد بالای ۱۵ سال ساکن شهر تبریز هستند که طبق آخرین مرکز آمار ایران در نیمه سال ۱۳۸۴ برابر ۷۳۳/۲۰۸ نفر بودند. برای نمونه‌گیری از روش انتخاب نمونه بر حسب حجم یا همان به اختصار PPS استفاده شد که نوعی نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای به نام نمونه‌گیری با احتمال متناسب با حجم است (بی، ۱۳۸۴: ۴۶۰).

روش تعیین حجم نمونه

برای محاسبه حجم نمونه از فرمول کوکران با دقت برآورد $d=0/05$ و حداکثر واریانس $pq=0/25$ حدود ۳۸۴ نفر نمونه انتخاب شدند (رفعی پور، ۱۳۷۷: ۳۸۳).

روش گردآوری داده‌ها

در این پژوهش، مطالعات اسنادی (فیش‌برداری) برای بررسی سوابق، بررسی ماهیت مسأله و تعاریف مربوط و همچنین، برای چارچوب‌های تئوریک استفاده شده و برای آزمون فرضیه‌ها با استفاده از پرسشنامه، داده‌های لازم جمع‌آوری شده است.

ابزار گردآوری داده‌ها

برای پژوهش حاضر پرسشنامه‌ای با ۵۵ سؤال طراحی شد که ۲۸ سؤال مربوط به متغیرهای مستقل و ۲۷ سؤال

مربوط به متغیر وابسته پرخاشگری در خانواده بود. از ۲۷ سؤال مربوط به متغیر وابسته دو سؤال مربوط به مفهوم کلی خشونت بود. همچنین، چهار سؤال مربوط به خشونت عاطفی، چهار سؤال مربوط به خشونت احساسی (بی‌اعتنائی)، پنج سؤال مربوط به خشونت اجتماعی، چهار سؤال مربوط به خشونت اقتصادی، چهار سؤال مربوط به خشونت مذهبی و چهار سؤال مربوط به خشونت جنسی بود.

نحوه سنجش متغیرها و سازه‌ها

نحوه سنجش بروز پرخاشگری در خانواده

بروز پرخاشگری در شش بعد اصلی یعنی: ۱- عاطفی؛ ۲- احساسی (بی‌اعتنائی)؛ ۳- جنسی؛ ۴- اجتماعی؛ ۵- اقتصادی؛ ۶- مذهبی سنجیده شد و پس از تحلیل عامل‌ها پرخاش عاطفی و احساسی و جنسی با ۱۴ سؤال و اجتماعی با پنج سؤال و اقتصادی با چهار سؤال و پرخاشگری مذهبی نیز با چهار سؤال که هر کدام نیز در مقیاس رتبه‌ای ۵ درجه‌ای طراحی شده بودند، دسته‌بندی و ارزیابی شدند. در نهایت، نمره بروز پرخاشگری از ترکیب نمره‌های پرخاشگری عاطفی، جنسی، اجتماعی، اقتصادی و مذهبی سنجیده شد و دامنه نمره‌های آن بین صفر تا ۱۰۰ تعیین گردید؛ یعنی صفر عدم بروز پرخاش در خانواده و ۱۰۰ پرخاش کامل در نظر گرفته شد.

$$27\text{- جمع نمره‌های سؤال‌های بیست و هفتگانه} \times 100 = \text{بروز خشونت در خانواده}$$

۱۳۵-۲۷

مقیاس رتبه‌ای محاسبه شد.

اعتبار سؤال‌ها از طریق تکنیک تحلیل عاملی و براساس ضرایب بار عاملی آنها در هر یک از سازه‌های زیر بنایی تعیین شد.

نحوه سنجش پایگاه اقتصادی - اجتماعی

پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخگویان طبق معیار شاخص پایگاه اقتصادی - اجتماعی نام - پاورز و با جمع رتبه‌های شغلی و رتبه درآمد و محل سکونت در

تنش‌های اقتصادی ۰/۸۴، تنش‌های مذهبی ۰/۷۴ و تنش‌های دینی، مذهبی ۰/۷۶ به دست آمده است که همه سازه‌های مورد بررسی از پایایی لازم برخوردارند، زیرا حداقل مقدار لازم برای پایایی سؤال‌ها ۰/۷ است (سرمد، ۱۳۸۵: ۱۶۹).

پایایی سؤال‌ها نیز بر اساس آزمون آماری آلفای کرونباخ و پایداری درونی گویه‌ای محاسبه گردید. طبق اطلاعات جدول (۱) پایایی سؤال‌ها مربوط به تنش‌های عاطفی، جنسی و عدم اعتنا به نیازهای زوجین نسبت به یکدیگر (بی‌اعتنایی) ۰/۹۶؛ تنش‌های اجتماعی ۰/۹۳،

جدول ۱- پایایی سؤال‌ها و گویه‌ها

مقدار آلفا	میانگین کوواریانس	میانگین سؤال	تعداد سؤال	سازه
۰/۹۶	۱/۱۵۷	۲/۲۷۷	۱۴	تنش‌های عاطفی
۰/۹۳	۱/۱۵۰	۲/۱۶۷	۵	تنش‌های اجتماعی
۰/۸۴	۰/۹۷۵	۲/۳۶۱	۴	تنش‌های اقتصادی
۰/۷۴	۰/۴۲۴	۱/۶۱۴	۴	تنش‌های مذهبی
۰/۷۶	۰/۵۰۵	۲/۴۶۳	۵	تنش‌های دینی مذهبی

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

برای تفکیک و دسته‌بندی سؤال‌های مربوط به سازه بروز پرخاش از روش‌های تحلیل عاملی اکتشافی استفاده گردید. همچنین، برای توصیف متغیرهای کیفی از شاخص‌های درصد و فراوانی و برای سنجش‌های متغیرهای کمی از شاخص‌های مرکز و پراکندگی استفاده شده است. برای آزمون فرضیه‌ها نیز از ضریب همبستگی پیرسون؛ آزمون تفاوت میانگین مستقل T-test و تحلیل واریانس یکطرفه استفاده گردید که در نهایت تبیین عوامل مؤثر بر پرخاشگری از رگرسیون چندگانه استفاده شد.

یافته‌ها

در مقاله حاضر ۴۸/۳ درصد از پاسخگویان زن و ۵۱/۷ درصد مرد بودند که میانگین سن آنها $34/53 \pm 8/2$ با حداقل سن ۱۸ و حداکثر ۶۵ سال بود. از نظر تحصیلات ۰/۵٪ از پاسخگویان بیسواد، ۳/۱٪ دارای تحصیلات

ابتدایی، ۶/۲٪ راهنمایی، ۶/۸٪ دبیرستان، ۲۸/۸٪ دیپلم، ۱۴/۸٪ فوق دیپلم، ۳۱/۷٪ لیسانس و ۸/۱٪ دارای تحصیلات فوق لیسانس بودند.

۸۵/۲٪ از پاسخگویان مورد مطالعه نوع خانواده‌شان هسته‌ای بود و ۱۴/۸٪ نیز در خانواده‌های گسترده زندگی می‌کردند. ۸۹/۱ پاسخگویان ازدواجشان غیر اجباری و ۱۰/۴٪ نیز ازدواجی اجباری داشتند. مدت زمان طول ازدواج پاسخگویان $10/22 \pm 8/49$ سال با حداقل ۱ سال و حداکثر طول ازدواج ۴۵ سال بوده است.

وضعیت اقتصادی- اجتماعی افراد مورد مطالعه

در مطالعه حاضر وضعیت اقتصادی بر مبنای شغل، درآمد و میزان تحصیلات افراد مورد مطالعه طبق شاخص رتبه‌گذاری پایگاه اقتصادی- اجتماعی نام- پاورز سنجیده شده است که در نهایت ۲۳/۷٪ در طبقه پایین، ۵۳/۷٪ در طبقه متوسط و ۲۲/۶٪ نیز در طبقه بالا قرار گرفتند.

توزیع پراکندگی میزان بروز خشونت در خانواده‌های مورد مطالعه

بر اساس اطلاعات جدول (۲) ملاحظه می‌شود که متوسط میزان بروز پرخاشگری در خانواده بر اساس اظهارات پاسخگویان برابر $20/90 \pm 27/74$ محاسبه گردیده که حداقل میزان بروز پرخاش صفر و حداکثر $96/06$ است. ضریب کجی (چولگی) $sk=0/717$ است

که بیانگر مثبت بودن توزیع داده‌هاست؛ به طوری که $0/25$ پاسخگویان میزان بروز پرخاشگری در خانواده را کمتر از $10/60$ ، 25% بین $10/60-22/47$ ، 25% بین $22/47-42/85$ و $42/85$ اظهار کرده‌اند که در مجموع می‌توان گفت میزان بروز پرخاشگری در خانواده کمتر از حد متوسط است.

جدول ۲- توزیع پراکندگی میزان بروز خشونت در خانواده‌های مورد مطالعه

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	انحراف چارک‌ها		
					حداقل	حداکثر	چارک اول
پرخاشگری	۳۸۵	۲۷/۷۴	۲۰/۹۰	۰/۷۱۷	۰	۱۰/۶۰	۱۰/۶۰
						چارک دوم	چارک سوم
						۲۲/۴۷	۴۲/۸۵

جدول ۳- توزیع پراکندگی میزان بروز انواع خشونت در بین خانواده‌های مورد مطالعه

متغیر	تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	ضریب کجی	حداقل	حداکثر
تنش‌های اقتصادی	۳۸۵	۳۴/۰۴	۲۶/۷۹	۰/۷۵۳	۰	۱۰۰
تنش‌های عاطفی	۳۸۵	۳۱/۹۲	۲۷/۴۱	۰/۷۳۱	۰	۹۴/۶۴
تنش‌های اجتماعی	۳۸۵	۲۹/۶۶	۲۷/۳۳	۰/۹۳۳	۰	۱۰۰
تنش‌های مذهبی	۳۸۵	۱۵/۳۵	۱۸/۹۰	۰/۷۶۴	۰	۱۰۰

فرضیه

میزان بروز پرخاشگری به پایگاه اقتصادی - اجتماعی، فقر، فاصله سنی زوجین، سن ازدواج زن و مرد، طول مدت ازدواج زوجین، ترکیب خانواده، پایبندی زوجین به اعتقادات دینی، آزادی زوجین در انتخاب همسر و تجربه خشونت در دوران کوردکی از سوی والدین پاسخگویان بستگی دارد.

بر اساس آزمون رگرسیون چند متغیری به روش (گام به گام) و مطابق با جداول (۴) در تبیین میزان بروز پرخاشگری در خانواده از روی مجموع متغیرهای

مستقل موجود در فرضیه، ملاحظه می‌شود ضریب همبستگی چندگانه برابر $R=0/53$ و ضریب تبیین برای $R^2=0/28$ و ضریب تبیین خالص برابر $R^2=27$ می‌باشند. یعنی از روی متغیرهای مستقل معنی‌دار موجود در مدل تا حدود ۲۷ درصد از واریانس پرخاشگری خانوادگی در پاسخگویان را می‌توان تبیین کرد.

در مجموع طبق اطلاعات جدول (۵) و با توجه به ضرایب بتاهای غیراستاندارد ملاحظه می‌شود که با مقدار ثابت (α) برابر $a=-8/92$ و نوع ازدواج با $\beta=27/53$ ، تعداد افراد خانواده با $\beta=2/16$ ، سن پاسخگویان هنگام

$\beta = 0/2$ بیشترین تأثیر منفی در پیشگیری بروز پرخاش در خانواده پاسخگویان مورد مطالعه دارند. همچنین، شکل رگرسیونی تبیین شده بر اساس آزمون تحلیل واریانس، خطی است زیرا مقدار آزمون F برای تعیین معنی داری اثر متغیرهای مستقل بر میزان بروز خشونت برابر $36/77$ با سطح معنی داری $P=0/000$ می‌باشد.

ازدواج با $\beta = 0/47$ و پایگاه اقتصادی-اجتماعی با $\beta = -6/14$ در تبیین میزان بروز پرخاش سهم معنی داری دارند. در نهایت با حذف مقدار آلفا (α) از طریق استاندارد کردن مقادیر متغیرهای مستقل ملاحظه می‌شود که به ترتیب نوع ازدواج با $\beta = 0/406$ ، تعداد افراد خانواده با $\beta = 0/132$ ، سن پاسخگویان هنگام ازدواج با $\beta = 0/09$ تأثیر مثبت و پایگاه اقتصادی-اجتماعی با

جدول ۴- تبیین میزان خشونت خانوادگی بر اساس پایگاه اقتصادی-اجتماعی،

شاخص‌های آماری	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تبیین	ضریب تبیین خالص	اشتباه معیار بر آورد
مقادیر	۰/۵۳۴	۰/۲۸۵	۰/۲۷۷	۱۷/۸۳۱۵۷

فقر، فاصله سنی زوجین، سم ازدواج زن و مرد، طول مدت ازدواج زوجین، ترکیب خانواده، پایداری زوجین به اعتقادات دینی، آزادی زوجین در انتخاب همسر و تجربه پرخاش در دوران کودکی

جدول شماره (۵): ضرایب متغیرهای مستقل باقیمانده در شکل رگرسیونی به روش گام به گام

متغیرها	ضرایب خام	ضرایب استاندارد شده	t	Sig.
	B	Beta		
مقدار ثابت	-۸/۹۲		-۱/۲۱	۰/۲۲۵
نوع ازدواج	۲۷/۵۳	۰/۴۰۶	۸/۴۵	۰/۰۰۰
پایگاه اجتماعی-اقتصادی	-۶/۱۴	-۰/۲	-۴/۰۴	۰/۰۰۰
تعداد افراد	۲/۱۶	۰/۱۳۲	۲/۷۵	۰/۰۰۶
سن هنگام ازدواج	۰/۴۷۳	۰/۰۹۹	۲/۰۳	۰/۰۴۲

نتیجه‌گیری

با توجه به این که هدف عمده، تبیین پرخاشگری خانوادگی و بررسی نقش عوامل اجتماعی مؤثر بر آن بود، بنابراین، در یافته‌های تحقیق حاضر که به صورت پیمایشی اجرا شد، مشخص گردید که میزان خشونت در بین افراد مورد مطالعه برابر $27/74$ با انحراف استاندارد

$20/90$ است که این میزان از پرخاشگری از داده‌هایی به دست آمده که حداقل آن صفر تا حداکثر $96/06$ از 100 بوده‌اند. از آنجایی که این میزان از پرخاشگری بسیار پایین‌تر از حد متوسط است، می‌توان گفت پرخاشگری در بین خانواده‌های تبریز در حد مطلوبی است. همچنین، نتایج حاصله حاکی از این است که بیشترین

نوع پرخاشگری در بین خانواده‌های تبریز به ترتیب مربوط به تنش‌های اقتصادی به میزان $34/04$ با انحراف استاندارد $27/41$ (از حداقل صفر تا حداکثر 100) و کمترین آن مربوط به تنش‌های مذهبی به میزان $15/53$ با انحراف استاندارد $18/9$ (از حداقل صفر تا حداکثر 100) محاسبه گردیده است.

در مورد بالا بودن میزان تنش‌های اقتصادی، به نظر می‌رسد یکی از عوامل عمده آن شرایط اقتصادی جامعه و نظام توزیع ثروت است که از محدودیت در درآمد بسیاری از افراد را موجب می‌شود و از طرف دیگر، تورم و گرانی در کنار افزایش ارزش‌های اشرافی و روحیه اسراف و تبذیر ثروتمندان است، که در بین افراد طبقات متوسط و پایین جامعه احساس نیازهای کاذب را باعث می‌گردد. دو موضوع یاد شده، فشار اقتصادی مضاعفی را بر دوش افراد وارد نموده، به تنش و برخورد در بین افراد خانواده می‌انجامد. همچنین، پایین بودن میزان پرخاش مذهبی زمانی که به میزان اعتقادات و باورهای مذهبی افراد مورد مطالعه توجه شود، معنی‌دار می‌گردد، چرا که نمره متوسط میزان اعتقادات و باورهای مذهبی افراد مورد مطالعه نشان می‌دهد که آنان از اعتقادات مذهبی بالاتر از حد متوسط برخوردارند.

در نتیجه، می‌توان گفت به علت باورهای این افراد در خانواده‌های مورد مطالعه، تنش‌های مذهبی کمتری دیده می‌شود. همچنین، میزان کمی از تنش‌های خانوادگی مربوط به فاصله سنی زوجین بود. به عبارتی، در برخی از موارد فاصله سنی زوجین به علت عدم تفاهم ناشی از تفاوت سنی و نیازهای خاص افراد در سنین مختلف، موجب رفتارهای پرخاشگرانه می‌گردد اما در بسیاری از موارد شاید به علت ویژگی‌های خاص فرهنگی و نیز همنوایی روانی افراد با این وضعیت که معمولاً در جامعه ما تبعیت زنان جوان از شوهران مسن‌تر از خودشان را توجیه می‌کند، موجب پایین بودن میزان همبستگی فوق

است.

بر اساس یافته‌های این پژوهش، بین طول مدت ازدواج با بروز خشونت رابطه‌ای هر چند ضعیف، ولی مثبت وجود داشت، چرا که ضریب همبستگی پیرسون برابر $r = 0/31$ با سطح معنی‌داری $P = 0/000$ محاسبه شده است. در تبیین این رابطه می‌توان گفت با اینکه به نظر می‌رسد با افزایش مدت زندگی مشترک باید به علت افزایش سازگاری بین زوجین، تنش در کمتر شود، ولی احتمالاً به علت عدم حل برخی از مشکلات بین زوجین و نهادینه شدن آن در روابط بین آنها، نوعی از پرخاشگری؛ یعنی پرخاش احساسی (بی‌اعتنایی) با افزایش زمان زندگی مشترک آنها افزایش یابد.

در نتیجه، هر چند در این خانواده‌ها مشکلات حادی از نظر رفتار خشونت‌آمیز دیده نمی‌شود ولی روابط مناسب هم حاکم نیست و زوجین با این که از نظر روحی و روانی در وضعیت مناسبی نیستند، اما به علت همنوایی با هنجارهای اجتماعی که خواهان ادامه زندگی مشترک آنهاست، در وضعیتی انفعالی با روابط سرد و خالی از شادابی و طراوت به زندگی خود ادامه می‌دهند.

بین پابندی به اعتقادات دینی و بروز پرخاش در خانواده رابطه همبستگی معنی‌داری دیده نشد، به غیر از رابطه ضعیفی که بین خشونت مذهبی و خشونت در خانواده وجود داشت. در این خصوص، می‌توان گفت به علت اهمیتی که مذهب و اعتقادات دینی در جامعه ما دارد معمولاً بین زنان و مردانی که با هم ازدواج می‌کنند، چگونگی اعتقادی زیادی وجود دارد و افراد به این مسأله با دقت نگاه می‌کنند. در نتیجه کمتر دیده می‌شود که زوجین در عقاید دینی خود اختلاف عمیقی داشته باشند تا موجب تنش در روابط خانوادگی آنان باشد.

همچنین، تفاوت میزان بروز پرخاش در خانواده بر اساس نوع ازدواج پاسخگویان معنی‌دار است و این میزان در بین کسانی که ازدواج اجباری داشتند، به مراتب بیشتر

است، چرا که سطح آگاهی این افراد در رفتار آنها و سلايقشان تأثیر دارد، در حالی که در خانواده‌های طبقات پایین، خشونت بیشتر به صورت فیزیکی نمود پیدا کرده، توسط قویترها نسبت به ضعیف‌ترها و با استفاده از زور و قوای بدنی اعمال می‌شود، به طوری که پدر خانواده، زن و کودکان را مورد آزار قرار دهد و همچنین کودکان خردسال‌تر در معرض خشونت برداران و خواهران بزرگتر از خود قرار می‌گیرند.

افزایش هزینه‌های اقتصادی برای خانواده‌هایی که توانایی مادی محدودی دارند، شرایط تنشزایی را می‌تواند ایجاد نماید، اما در مورد چگونگی ارتباط بین افزایش روابط متقابل و بروز پرخاشگری می‌توان چنین استدلال نمود که چون بر اثر افزایش تعداد افرادی که در کنش متقابل با یکدیگرند، تعداد روابط بین آنها به صورت تصاعدی افزایش یافته، این امر در کنترل روابط و منافع افراد پیچیدگی زاید به وجود می‌آورد، در نتیجه امکان ایجاد تنش زیادتر می‌گردد؛ زیرا مثلاً علی‌رغم تلاش پدر و مادر برای ایجاد محیطی صمیمی و عادلانه در صورتی که برخی از فرزندان در خانواده به اشتباه تصور و یا احساس کنند که مورد بی‌توجهی و بی‌مهری قرار گرفته‌اند، نسبت به دیگران رفتار پرخاشگرانه خواهند داشت (هر چند برخی از افراد از نظر ویژگی‌های شخصیتی به گونه‌ای هستند که به جای پرخاشگری نسبت به دیگران نسبت به خود بدرفتاری کرده، منزوی می‌شوند).

اما در مورد رابطه بین افزایش تعداد افراد خانواده و بروز پرخاش در خانواده‌هایی که یک یا دو والدین مرد و یا زن در خانواده (که در خانواده‌های ایرانی بیشتر والدین مرد خانواده را شامل می‌شود) به همراه خانواده زندگی می‌کنند، بر طبق نظارت شناختی، شناخت و آگاهی افراد به گونه‌ای است که مثلاً در فرهنگ سنتی ما، مادر مرد، همسر پسرش را رقیبی می‌بیند که حضور وی موجب

از افرادی است که ازدواج غیر اجباری داشتند. در تبیین این مسأله می‌توان گفت از آنجایی که در ازدواج‌های اجباری - که ازدواج‌های مصلحت‌اندیشانه را هم می‌توان از جمله آنها دانست - علایق عاطفی و روحی و منافع خود فرد در نظر گرفته نمی‌شود و تنها به خاطر برخی هنجارها و آداب و رسوم غلط اجتماعی و یا منافع مادی، این گونه وصلت‌ها انجام می‌گیرد. بنابراین، از آغاز زندگی مشترک زوجین همراه یکی از آنها (که بیشتر زنان را شامل می‌شود) دچار ناکامی شدیدی می‌گردند که خواه ناخواه در روابط آتی آنها در خانواده تأثیرات منفی شدیدی خواهد داشت.

تجزیه و تحلیل داده‌های گردآوری شده نشان می‌دهد که بین طبقه اجتماعی افراد و بروز پرخاشگری در خانواده رابطه وجود دارد، به طوری که میزان متوسط پرخاشگری در پاسخگویان طبقه پایین بیشتر از سایر طبقات است. بنابراین، با توجه به مطالب مربوط به نظرات ناکامی پرخاشگری در تبیین این مسأله می‌توان گفت که به علت محرومیت‌های زیادی که در طبقه پایین جامعه نسبت به سایر طبقات وجود دارد، افراد متعلق به این طبقات نمی‌توانند با امکانات موجود خود به منابع موقعیت‌ها مورد انتظار خود دست یابند.

بنابراین، در نتیجه ناکامی در تحقق خواست‌هایشان، روحیه‌ای پرخاشگر پیدا می‌کنند و چون درون خانواده ابراز خشونت هزینه پایین‌تری دارد، پرخاشگری خانوادگی در این طبقات بیشتر به چشم می‌خورد (خشونت در محیط‌های خارج از خانه مانند محیط کار و محیط‌های دیگر اجتماعی دارای عواقب و تبعات سنگینی است؛ از جمله الزام به پرداخت خسارات و همچنین، در حالت حادثه تا حبس و زندانی شدن توسط نظام رسمی کنترل اجتماعی پیش می‌رود).

معمولاً پرخاشگری موجود در خانواده‌های طبقات متوسط و بالا با بروز خشونت‌های غیر فیزیکی همراه

ناشی از این تغییر وضعیت، آن را با روحیه نقادانه و پرخاشگرانه نسبت به افراد خانواده جبران می‌کنند. (باید توجه داشت که معمولاً بازنشستگان از امکان اعمال اقتداری که در محیط کار داشتند، در بازنشستگی محروم می‌شوند و شاید این محرومیت موجب پرخاشگری آنان می‌شود).

اما در جواب این که چرا زنان شاغل نسبت به خانه‌دارها، کمتر دست به اعمال خشونت‌آمیز می‌زنند، می‌توان گفت که خانم‌های خانه‌دار به علت قرار گرفتن در یک محیط یکنواخت دچار نوعی از احساس افسردگی می‌گردند، در حالی که برای شاغلان زن این وضعیت کمتر وجود دارد و نیز شاغلان به علت داشتن درآمد می‌توانند به اراده خود، درآمد خود را هزینه کنند، در حالی که وابستگی مالی خانه‌داران به شوهرانشان دلیل دیگری است که باعث به وجود آمدن شرایط تنش‌زاست.

پیشنهادها

- ۱- برگزاری کلاس‌های دینی عمومی و رایگان با محوریت دستوره‌های دین اسلام درباره محبت در خانواده‌ها؛
- ۲- کاهش و یا حذف برنامه‌هایی از تلویزیون و رادیو که تجمل‌گرایی را تبلیغ می‌کنند (زیرا ترغیب خرید کالاهای لوکس در این رسانه‌ها فشار اقتصادی و به تبع آن پرخاشگری در خانواده را سبب می‌شود)؛
- ۳- ایجاد هرچه بیشتر فضاهای شاد و مفرح، مثل پارک‌ها و شهربازی‌ها برای افزایش شادابی و کاهش روحیه پرخاشگری افراد.

منابع

- آرنسون. (۱۳۸۵). *روان‌شناسی اجتماعی*، ترجمه: شکر کن، [بی‌جا]: نشر رشد
- بی، ا. (۱۳۸۴). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*،

سردی روابط بین مادر با فرزندش می‌گردد و همچنین، از سوی دیگر زنان نیز مادران همسرانشان را به عنوان مانعی برای صرف دقت و توجه مرد به خانواده خود می‌دانند. در نتیجه، زمانی که از نظر مکانی این دو فرد در یک خانه زندگی نمایند، تنش‌ها افزایش خواهد یافت.

همچنین، محدودیت‌هایی که از تفاوت سنی و نیازهای خاص آنان ناشی می‌شود، به ویژه زمانی که والدین مرد یا زن خانواده از سلامت جسمی کمی هم برخوردار باشند و به عنوان سربار از سوی دیگر افراد خانواده تلقی شوند، مشکلات و التهاب در خانواده را افزایش خواهد داد.

یافته‌ها نشان می‌دهد فقر در بروز پرخاش در خانواده نقش اساسی ایفا می‌کند. در تبیین چگونگی تأثیر این عامل می‌توان به نظر ناکامی - پرخاشگری اشاره نمود که نشان می‌دهد افراد به علت عدم دسترسی به منابع لازم در وضعیت نامطلوب روانی قرار می‌گیرند و در نتیجه، در این شرایط تحت تأثیر فشار ناشی از ناکامی از خود رفتار پرخاشگرانه بروز می‌دهند.

نتایج به دست آمده از ارتباط وضعیت شغلی و بروز پرخاش در خانواده جالب توجه است، چرا که انتظار می‌رفت پرخاشگری خانوادگی در بین بیکاران بیشترین میزان و در بین بازنشستگان کمترین میزان را نشان دهد، ولی نتایج تحقیق حاضر کاملاً عکس این موضوع را نشان می‌دهد و شاید در تبیین این مسأله بتوان گفت که چون از یک طرف افرادی که بیکار هستند، به علت ضعف موقعیت‌شان دارای روحیه محافظه کار و سازشکارانه می‌شوند و از طرف دیگر، خانواده این افراد برای کاهش فشار بر روی این افراد که در شرایط بدی قرار دارند با آنها به ملایمت و نرمی رفتار می‌کنند، اما در نقطه مقابل رفتار آنان، بازنشستگان که پس از سال‌ها خو گرفتن به محیط کار یکباره از آن جدا می‌شوند، به علت خلأ به وجود آمده ناشی از تغییر شرایط و برای جبران فشار

فرجاد، م. (۱۳۶۳). *آسیب شناسی اجتماعی و جامعه شناسی انحرافات*، تهران: نشر بدر.

کریمی، ی. (۱۳۸۲)، *روانشناسی اجتماعی (نظریه‌ها، مفاهیم و کاربردها)*، تهران: انتشارات ارسباران، چاپ یازدهم.

کریم، ی. (۱۳۷۳)، *روانشناسی اجتماعی*، تهران: انتشارات پیام نور.

طبایخی، ا. (۱۳۸۵). *بررسی جامعه شناختی خشونت علیه زنان در خانواده و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه مورد شهر ارومیه)*، پایان نامه کارشناسی ارشد تهران، دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات.

طاهری بجد، م. (۱۳۸۱). *جایگاه خشونت در حقوق کیفری*، رساله دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.

Borgata, E.F. (1992) *Encyclopedia of sociology*, vol 1-4.

New Zealand Journal of Psychology . Des 2000. by Kanyantis Nikolaos, Flett, Ross . A, et al. Domestic violece, pszchological distress, and phzysical illness among New Yealand woman.

ترجمه : رضا فاضل، تهران: سمت

بیرو، آ. (۱۳۷۵). *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: نشر کیهان، چاپ سوم.

حسینی، ا. (۱۳۸۳). *کتاب زنان*، شماره هفتم، انتشارات شورای فرهنگی و اجتماعی زنان.

درویش پور، م. (۱۳۷۸). «چرا مردان به اعمال خشونت علیه زنان ترغیب می‌شوند؟»، *مجله زنان*، سال هشتم، ش ۵۶.

رفیع پور، ف. (۱۳۷۷). *کندوکاوها و پنداشت‌ها*، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ نهم.

سازمان جهانی بهداشت، انجمن آموزش بهداشت و ارتقای سلامت خانواده. (۱۳۸۱). *خشونت علیه زنان*، مترجم: رفیعی فر و دیگری، تهران: نشر تندیس.

سرمد، ز. و دیگران. (۱۳۸۵). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*، تهران: نشر آگه، چاپ دوازدهم.

شاملو، س. (۱۳۷۸). *بهداشت روانی*، تهران: نشر رشد.

شری، ج. و دیگری. (۱۹۹۴). *پرشسنامه ارزش‌های شخصیتی (P.V.Q)*، مترجم: ابوالفضل کرمی، جزوه آموزشی شرکت روان تجهیز سینا.

صدیق سروستانی، ر. (۱۳۸۵). *آسیب شناسی اجتماعی*، تهران: انتشارات آن .